



## آرمان دین بهی (به زبان ساده)

نوشتاری از : موبد کامران جمشیدی

پیشگفتار:  
چرا می گویم به زبان ساده؟ زیرا بر این باورم که دین باید ساده باشد تا راست و درست باشد. به همان میزان باید گفتن و نوشتن و دریافتن آن نیز ساده و راست و درست باشد. اما راست و درست چیست و راستی و درستی کدامند؟ چندی پیش با یکی از همکیشان در این زمینه ها گپ می زدیم، از این دو گزارشی (تعریفی) ساده به دست داد که من هم به همان سادگی برای شما می گویم:  
راستی، همانا یکسانی و هماهنگی میان گفتار و کردار است. درستی، همانی است که به آن «حقیقت» می گویند.  
شما چه می اندیشید؟  
در گفتمان هدف و آرمان در دین بهی و آفرینش انسان بر پایه ی آن، گزارش «ساده» زیر را می بینید که در آن از گفتارهای ساده ی دیگران هم بهره برده شده است، با سپاس از آنان.

آرمان دین بهی خوشبختی و رستگاری است  
که همانا خشنودی انسان و آرامش و آسایش تن و روان می  
باشد.

دین بهی به ما می آموزد که تنها راه رسیدن به این آرمان پیمودن راه راستی است زیرا راستی و درستی آن حقیقتی است که بر بنیاد آنها زمین و آسمان و هر چه در آنهاست آفریده شده و آفریدگار آنها نیز خداوند یکتا و ابردانای هستی بخش

asha ) می باشد.

بر پایه ی این هنجار هر کنشی در هر جای جهان انجام گیرد و اکنش مناسب خود را خواهد داشت و از این رو هر کار درست و هماهنگی با اشا نتیجه ی خوب و درست و وارون آن هر جنبش و کاری که نادرست باشد نتیجه ی آن نیز نادرست و «بد» خواهد بود.

ما انسان ها نیز که جزوی از این آفرینش هستیم اگر خود را با هنجار هستی (اشا) هماهنگ کرده و اندیشه و گفتار و کردارمان بر آن پایه باشد، خوب و اشون **ashavan** بوده و نتیجه ی کردارمان نیز خوب و اشویی است. این نتیجه ی خوب، خشنودی آورده و به آرامش دست می انجامد. آرامشی که میوه ی آن پیشرفت و رسایی (تکامل) بوده و تن و روان را به آرامش و تندرستی رسانده و زندگی آسایش می یابد. انسان پدیده ای است اجتماعی و برای داشتن یک زندگی آرام و آسوده نیازمند به داشتن جامعه ای آرام و آسوده است تا همه ی یگان های باشند در آن بتوانند در این آرامش هنباز (شریک) باشند. بنابراین برای هر زرتشتی این یک نیاز و یک خویشکاری (مسئولیت) است تا به آرام سازی جامعه ی خود نیز یاری رسانند.

این خویشکاری، خود جزوی از هنجار اشاست که در پیوند با «انسان اجتماعی»، انسانی که دارای نیروی اندیشه گری بوده و می تواند گزینش کند، دارای مانا (چیم، معنا) می گردد. در برابر خویشکاری، آزادی گزینش قرار دارد، بدین ماناکه انسان اگرچه آزاد است که از میان راه های گوناگون برگزیند اما باید آگاه باشد که پاسخگوی نتیجه ی گزینش خود خواهد بود.

برای اینکه این گزینش ها به درستی انجام گیرد، به دو چیز نیاز است:

1- وهومن یا بهمن، منش نیک یا خرد نیک که نیروی شناسایی و تمیز (درست از نادرست) است.

2- آگاهی و دانایی.

از راه وهومن است که انسان راه را از چاه تمیز داده و بد را از خوب جدا می کند. این نیرو از آغاز خام و نارسا بوده و بایست با تمرینات روانی / اخلاقی و همچنین به یاری تجربه آن را پخته و آموخته ساخت. برآستی انسان دارای دو گونه نیروی تمیز یا خرد می باشد، یکی خرد گوهری یا ذاتی (آسن خرد) و دیگری خرد دریافتنی یا آموختنی (گوشوسرود خرد).

داوری های از پیش ساخته شده و بی بنیان (پیشداوری) یکی از بزرگترین بلاهای بشری است. یکی از چیزهایی که در فرادیدگری های (تصمیم گیری) درست در زندگی یاری می رساند و ما را به پیش می برد آگاهی و برداشت درست از هنجار اشاست.

یکی از گزارش های شایسته ای که برای اشا شده است این است که: اگر کار درست در زمان درست و مکان درست و با ابزار درست و به درستی انجام گیرد، نتیجه نیز درست خواهد بود. هر کدام از این ها هم که در جای درست خود نباشد، نتیجه درست و رسا نخواهد بود. از همین روست که به آن قانون دقت یا **precision law** نیز گفته می شود.

مهمتر از همه این است که بدانیم هر کار انجام شده در کارنامه ی کارکردهای ما در زندگی نوشته شده و هنایش (اثر) خود را به جای خواهند گذاشت. کردارهای خوب و انسان دوستانه و آرامش خواهانه به ما آسودگی وجدان و خشنودی بخشیده و واژگون آن نتیجه ی زیان بار خود را نه تنها روی خود ما بلکه بر روی تمامی جهان هستی بر جای خواهد گذاشت. به گفته ی دیگر، این همان بهشت و جهنمی است که ما با کرد و کار خود می توانیم در هر دم درهای آن را بروی خود باز و بسته کنیم.

یکی از بزرگترین درس های اشا، که شاید بتوان از آن با نام «قانون زرین» نام برد، میانه روی است. تندروری در هر زمینه ای در جایی به کجراهه خواهد رفت و ما را از راه راست به در خواهد برد. برای میانه روی باید بر روی خود و کارکرد سهش های (احساسات) خود چیره باشیم. این چیرگی بر خود یا خویشتن داری در فرهنگ بهدینی خشترا **khshatnra** نامیده می شود. برای رسیدن به این چیرگی بر خود و آرامش، روش ها و ابزارهای کمکی نیز وجود دارند مانند نیایش و همچنین تمرینات تمرکز اندیشه و همترازی (بالانس) تن. کسی که از وهومن برخوردار بوده و هماهنگ با اشا زندگی کند، نیک کردار و سازنده می باشد. انسان های آزاد و نیکخواه و خشتراپی در هر جامعه ای می توانند سیستم خوب و دلخواه خود را برای پیش بردن جامعه بنیان گذارند و رهبران اشویی خود را برگزینند. این شهریاری خوب و برگزیدنی را «وهو خشترا وئیریو **vohu khshathra vairyo**» می نامند.

هنگامی که انسان با بهره گیری از منش نیک و هماهنگی کامل با اشا یا اشویی زیستن و پاک و پاکیزه بودن در اندیشه و گفتار و کردار خود، به نیکی بر خود و سرکشی های سهش های

ویرانگر خود مانند زیاده خواهی، کینه جویی، خشم و مانند آنها چیره شده و راه میانه و راست را در پیش گرفت و به آرامش و آسایش در تن و روان دست یافت، آنگاه است که آفرینندگی نیک و سازنده در او شکفته گشته و به نوسازی و پیشرفت همیشگی خود و جهان به سوی تکامل و رسایی خواهد پرداخت. تکاملی که در فرهنگ ما به آن «هئورواتات **haurvataat**» یا خرداد گفته می شود، بدین چیم که انسان نمونه ی ایده آلی از پیشرفت و رسایی می گردد و پس از آن دیگر برگشت پذیری و کاهش یابندگی (انگزه) جایی نداشته و تنها افزایش و پیشروی همیشگی (سپنتا) است به سوی جاودانه شدن یا «هئورواتات امرتات **haurvataat ameretaat**».

واپس گرایی، کهنه پرستی و خشک اندیشی در آرمان زرتشتی ناستوده و ناشایست است. انسان شایسته است که پیوسته در کار نوآوری باشد. زندگی بدون آفرینندگی تیره و خاموش و مرگ آور است. کاشتن یک گل یا درخت تا نوشتن یک نوشتار و یک کتاب، ساختن یک آهنگ و ایجاد یک هنر، زادن یک فرزند و برداشت یک فرآورده، همه و همه خدمت و یاری به آفرینش است. تنها زندگی ای شکوهمند و سرشار و زنده است که در آن همه نیروهای انسانی به کار می افتد و هنر و نوآوری و شادی و خوشبختی تا جنب و جوش، کوشش و پویش همه جا را فرا می گیرد.

«پروردگارا بشود مانند کسانی شویم که جهان را به سوی رسایی و آبادی به پیش می برند» اهنودگات، هات 30، بند 9

جامعه ی انسانی نیز که چون از انسان ها به هم آمده است دارای همان کارسازها یا مکانیسم ها بوده و همان ارزش ها در آن برپاست. یک جامعه ی خسترای که تمام یگان های به هم آورنده ی آن از، سر تا پای آن، هماهنگ با هنجار اشایی کار می کنند به آرامش و شادی دست یافته و در آن آرامش به سوی بهبودی و بهزیستی به پیش می رود. این جامعه ها، که رویهم آنها جامعه ی جهانی است بر پایه ی خانواده، برزن، شهر، کشور و جهان استوار است. برای داشتن یک جامعه سالم جهانی باید نخستین پایه های اجتماعی یا خانواده را سالم بنیان گذاشت و سپس کوی برزن و شهر و کشور را ساخت تا به جهان رسید.

امرتات یا امرداد، که سوی پیشرفت می باشد، آن چگونگی (وضعیتی) است که همراه است با آگاهی و آرامش و شادی کامل و همجواری با ابر دانای هستی بخش «اهورا مزدا». انسان نیک و پاک و اشویی، انسانی است کامل تر (در سنجه ای انسانی). اینگونه انسان ها بی گمان هم بر روی خانواده و خویشان خود و هم بر روی جامعه ای که در آن زندگی می

کنند هنایشی (اثر) سازنده و آبادکننده بر جای می گذارند. فرزندی که در اینگونه خانواده ها پرورش می یابند نام نیک پدر و مادران خود را همواره زنده نگاه خواهند داشت و جامعه نیز هنایش یافته از گفتار و کردار آنان گام های بیشتری بسوی پیشرفت برخواهد داشت و نام نیک آنان را در تاریخ خود زنده و جاودان نگاه خواهد داشت. این، نمود این جهانی جاودانگی و نامیرایی می باشد. جاودانی روان، نمود مینوی امرتات بوده که هستی جاودان است در بهترین چگونگی مینوی یا « اشه وهیشته»، سرای اندیشه نیک و «گرو دمان» سرای سرود و جایگاه والای اهورا مزدا.

«پارسایانی که در برابر هنجار هستی و راستی و پاکی زندگی می کنند، در مکانی که در پرتو خورشید تو درخشان و منزلگه دانایان است به سر خواهند برد.» سپنتمد گات، هات 50، بند 2